روزنامه هم‌میهن
www.hammihanonline.ir

• صاحب امتیاز و مدیرمسئول: غلامحسین کرباسچی
• مشاوران: عباس عبدی و احمد زیدآبادی
• سردبیر: محمدجواد روح • معاون سردبیر: مهرداد خدیر • دبیر آنلاین: شبنم رحمتی
• دبیران گروه‌ها: فرزانه طهرانی (اقتصاد) • آرمین منتظری (دیپلماسی و بین‌الملل)
• علی ورامینی (رسانه و فرهنگ) • سمیه متقی (سیاست) • الناز محمدی (جامعه) • آرش خاموشی (عکس)
• مدیر اداری و آگهی‌ها: شاهرخ حیدری
• مدیر هنری: مهدی قربانی‌تبار
• هادی حیدری (طرح و کاریکاتور) • حروفچینی و ویراستاری: شهرام هادی

hammihanmedia@gmail.com
@Hammihanonline

• تلفن روابط عمومی: ۸۸۷۴۹۳۰۰ • تحریریه: ۸۸۷۳۰۲۹۱ • آگهی‌ها: ۸۸۷۳۵۲۰۷ • نشانی: خیابان شهید بهشتی، خیابان پاکستان، کوچه دوازدهم، پلاک ۱۸
• لیتوگرافی و چاپ: هم‌میهن • تلفن چاپخانه: ۰۲۱۴۶۸۲۱۱۱۴ • توزیع: نشرگستر امروز نوین • تلفن: ۰۲۱-۶۱۹۳۳۰۰۰

نگاه آخر

پاسداشت زبان فارسی

علی‌اصغر ابراهیمی‌وینیچه
استاد و پژوهشگر ادبیات

محمد مختاری در مقدمهٔ کتاب «اسطورهٔ زال» می‌نویسد: شاهنامه نشان برجسته‌ای از پایداری مردم ایران از راه زبان خویش است. اهمیت این موضوع وقتی مشخص می‌شود که بدانیم همهٔ رویارویی‌های نظامی انجام‌شده با فاتحان تازه پس از شکست ساسانیان و حضور اعراب در ایران، با برخورد قهری خلفا و جانشینان عرب آنها ناکام ماند. پشتوانهٔ قدرتمند اعتقادی، سیاسی، نظامی و اقتصادی زبان عربی باعث شد تمام زبان‌های موجود در حوزهٔ تمدن نوپای اسلامی به حاشیه رانده شده و در طول زمان به فراموشی و نابودی سپرده شود. از مصر و شام گرفته تا شمال آفریقا. تنها زبانی که در مقابل زبان عربی ایستادگی کرد، زبان فارسی بود و توانست در جغرافیای ایران اسلامی به‌تدریج زبان عربی را کنار بزند و جایگزین آن شود. طوایف عرب زیادی که با ورود اسلام به‌صورت جمعی وارد سرزمین ایران شدند به‌مرور در جامعهٔ ایرانی تحلیل رفتند و اثری از زبان عربی در نسل‌های بعدی آنها باقی نماند. این در حالی است که تلاش فراوانی از طرف عرب‌مآبانی چون صاحب بن عبّاد، ثعالبی و دیگران برای عربی‌نویسی و به‌حاشیه‌راندن زبان فارسی انجام شد که با قدبرافراشتن فارسی ناکام ماند. زبان فارسی مانند چتر گسترده‌ای، با ایستادگی توانست پناهگاهی را فراهم کند تا خرده‌فرهنگ‌ها در سایهٔ آن امکان بقا پیدا کنند و از استحاله در فرهنگ قوم غالب در امان بمانند. این پایداری حاصل توافق نانوشتهٔ جمعی همهٔ اقوام موجود در جغرافیای ایران برای هویت‌جویی، حفظ و قوام‌بخشی به تشخص فرهنگی بود که در قالب زبان فارسی اتفاق افتاد. از ابتدای کار زبان فارسی جز تکه‌پاره‌های پراکنده در سایر متون که بخشی از آن را علی اشرف صادقی در کتاب تکوین زبان فارسی گردآورده، اطلاع بیشتری نداریم. اولین نشانه‌های شعر فارسی در اوایل قرن چهارم یا کمی پیش‌تر پدیدار می‌شود و این درست زمانی است که مخالفت‌ها با زبان فارسی آغاز می‌شود و این نزاع با رشد روزافزون فارسی بیشتر و بیشتر می‌شود تا در دو قرن بعد زبان فارسی، عربی را از میدان به‌در کند و در قامت زبانی توانا (به‌رغم نظرات بیرونی و ثعالبی و دیگران) جای زبان عربی را در دیوان‌ها و دربارها بگیرد و دامنهٔ نفوذ خود را از کناره‌های چین تا مرزهای یونان گسترش دهد. اگر آن افسانهٔ روزنامه‌نگار مصری را جدی نگیریم که گفته بود: مصر چون فردوسی نداشت، عرب شد؛ نقش فردوسی در زبان فارسی نقش بی‌بدیلی است. کمتر متنی را می‌شناسیم که اینگونه سرنوشت‌اش به‌سرنوشت فرهنگی یک ملت تنیده شده باشد. نخست اینکه سرودن نزدیک ۵۰ هزار بیت در زبانی نوپا که دارد قدم‌های ابتدایی خود را در مسیر تکوین برمی‌دارد، به صحبت کردن عیسی در گهواره می‌ماند. دودیگر اینکه شاهنامه تنها یک اثر ادبی صرف نیست که فقط بتوان به جنبه‌های ادبی آن توجه نشان داد. شاهنامه ابرمتنی است که تاریخ باستانی ایران از زمان پیدایش تا شکست ساسانیان را در خود جای داده و کارکردی هویت‌ساز و فرامتنی دارد. محمود فتوحی در کتاب «قرآن پارسی» دو ویژگی را برای متن معرفی می‌کند: سرشت متن و سرنوشت متن. سرشت شاهنامه که خود شاهکاری ادبی است پروردهٔ ذهن هنرمند فردوسی است که درنهایت ساختگی و پرداختگی سروده شده است. از طرفی این متن به زبان فارسی تشخص لازم برای ابراز وجود به‌عنوان زبانی قدرتمند می‌بخشد و متنی است که ما را به یافتن زبانی معیار برای نوشتن در پهنهٔ گستردهٔ ایران فرهنگی رهنمون می‌کند. سرنوشت این متن اما مانند مولف‌اش که جفا دید و قدر ندید؛ مورد اقبال فراوان قرار گرفت و چنان پذیرفته شد که به‌رغم بی‌مهری دربار غزنه نسبت به فردوسی و شاهنامه، حفظ آن به ضرورتی ملی تبدیل شد و این حس ملی، بزرگ‌ترین پشتوانه‌ای بود که شاهنامه را به مهم‌ترین کتاب زبان فارسی تبدیل کند. شاهنامه به‌مرور از قالب متنی ادبی وارد ساحت اجتماعی شد و خود را به‌عنوان سرمایه‌ای فرهنگی تثبیت کرد. سرودن شاهنامه که در میانهٔ قرن چهارم آغاز شده بود، با مرگ دقیقی ناتمام ماند و کار بزرگ فردوسی در آشوب خراسان و تنها با پشتوانهٔ همت خلل‌ناپذیر او به پایان رسید. بعد از شاهنامه اما همهٔ حماسه‌های ملی سروده شده در زبان فارسی تحت‌تاثیر نفوذ شاهنامه قرار گرفت، به‌گونه‌ای که گویا اقبال به هر متن حماسی در گرو نسبت آن با شاهنامه است. حضور شاهنامه در فضای فرهنگی ایران به حوزهٔ ادبیات محدود نماند و کارگاه‌های کتاب‌آرایی سلاطین نیز به محلی برای پرداختن نسخه‌های شاهنامه و بستری برای پدید آوردن برخی از زیباترین آثار هنری خلق‌شده مرتبط با سنت کتاب‌آرایی شدند، به‌طوری که این آثار نفیس در گنجینهٔ پادشاهان نگهداری می‌شد و پرداختن به آن مایهٔ شکوه دربارها تلقی می‌شد. پاسداشت فردوسی تنها پاسداشت زبان فارسی نیست؛ پاسداشت فرهنگ، تاریخ، تمدن و هویت ایرانی است و جهان ایرانی در هیچ آینه‌ای به‌اندازهٔ شاهنامه، خود را برازنده و بشکوه ندیده است.

جایی که آینده ساخته می‌شود

وزیر ارتباطات و فناوری اطلاعات در ادامه تور جهانی دیپلماسی فناوری به چین، قلب نوآوری جهان، سفر کرده است

گروه فناوری: قطار دیپلماسی فناوری وزارت ارتباطات و فناوری اطلاعات به چین رسید؛ کشوری که چندسالی است در آسمان فناوری جهان چون ستاره‌ای می‌درخشد. با اقتصادی بالنده، زیرساخت‌های عظیم صنعتی، نیروی کار ماهر و استراتژی‌های تجاری هوشمندانه. وزیر ارتباطات و فناوری اطلاعات ایران به دعوت همتایش به این کشور ـ مهد نوآوری و قلب تولید فناوری جهان ـ سفر کرده تا فصلی نو در همکاری‌های دوجانبه میان دو کشور در حوزه‌هایی مانند زیرساخت ارتباطی، هوش مصنوعی و هوشمندسازی صنایع انجام شود. او در بدو ورود به پکن، در گفت‌وگویی با رسانه‌ها، اهداف سفر خود را چنین اعلام کرد: «هدف ما تقویت تعاملات دوجانبه با چین در زمینه‌هایی است که می‌توانند اقتصاد دیجیتال ایران را به سطحی جدید ارتقاء دهند. زیرساخت‌های ارتباطی پیشرفته، هوشمندسازی صنایع و بهره‌گیری از ظرفیت‌های هوش مصنوعی از محورهای اصلی سفر است.»

چین؛ سرزمین نوآوری و فرصت‌ها

چین مبدأ بسیاری از محصولات فناورانه‌ای است که جهان امروز را شکل داده‌اند؛ سرزمین غول‌هایی چون هواوی، لنوو، شیائومی، اوپو و... که هرکدام در صنعت مخابرات، تلفن‌های هوشمند، رایانه‌های پیشرفته، باکیفیت و قیمت رقابتی‌شان بازارهای جهانی را فتح کرده‌اند. چینی‌ها در حوزه‌هایی مانند هوش مصنوعی، اینترنت اشیاء و توسعه میکروچیپ‌ها رقابتی نفس‌گیر با کشورهای غربی دارند، در زیرساخت‌های 5G پیشتاز هستند و برندهایی چون ZTE و هواوی، ستون‌های اصلی شبکه‌های ارتباطی مدرن را تأمین می‌کنند. پارک‌های فناوری مانند Z-Park، که خاستگاه برندهای جهانی چون هواوی و لنوو است و مراکز نوآوری دیجیتال مانند «آی‌فلای‌تک دیجیتال اکسپرینس سنتر»، نمادهایی از توانمندی‌های این کشور در حوزه فناوری هستند. هاشمی و هیئت همراهش، در نخستین‌روز سفر از این مراکز بازدید کردند و از نزدیک با پروژه‌های پیشرفته چین آشنا شدند. هاشمی در حاشیه بازدید از پارک Z-Park گفت: «تجربیات چین در ایجاد اکوسیستم‌های نوآوری، الگویی ارزشمند برای ایران است که می‌توانیم از آن برای تقویت زیست‌بوم فناوری داخلی بهره ببریم.»

بازدید از «سافت‌وی پارک» نیز بخش دیگری از برنامه بود. این مرکز که به توسعه نرم‌افزارهای پیشرفته در حوزه هوش مصنوعی اختصاص دارد، نمونه‌ای از تعهد چین به پیشتازی در فناوری‌های آینده است. هاشمی در این بازدید، بر ضرورت همکاری مشترک میان دو کشور در حوزه‌های هوش مصنوعی، هوشمندسازی صنایع، توسعه زیرساخت‌های ارتباطی و آموزش نیروی انسانی تأکید کرد.

پلی برای همکاری‌های راهبردی

یکی از مهم‌ترین بخش‌های تور دیپلماسی فناوری هاشمی در چین، دیدار او با «لی لیچنگ»، وزیر صنعت و فناوری اطلاعات این کشور بود؛ دیداری که بیش از دو ساعت به‌طول انجامید و فضایی برای گفت‌وگوهای عمیق درباره آینده همکاری‌های فناورانه دو کشور فراهم کرد. هاشمی در این دیدار، چین را «شریک و متحدی راهبردی» توصیف کرد و با اشاره به سند همکاری ۲۵ ساله ایران و چین، بر لزوم تسریع در اجرای عملیاتی این توافقات تأکید کرد. او اظهار کرد: «ما به‌دنبال نگاهی نو به این سند هستیم تا بتوانیم از ظرفیت‌های آن در حوزه فناوری اطلاعات و ارتباطات بهره‌مند شویم.» تبادل تجربیات در زمینه دولت الکترونیکی و خدمات هوشمند و نیز همکاری‌های آموزشی و تربیت نیروی انسانی متخصص نیز از دیگر موضوعاتی بود که از سوی وزیر ارتباطات ایران در این دیدار مطرح و بر آن تأکید کرد.

«لی لیچنگ»، وزیر صنعت و فناوری اطلاعات چین و یکی از چهره‌های اصلی حزب جمهوری خلق چین نیز ضمن اشاره به پیوندهای دیرینه و صمیمی میان ایران و چین، ایران را شریکی کلیدی در منطقه برای پکن توصیف کرد. او با ستایش از توانمندی‌های برجسته ایران در عرصه فناوری اطلاعات، هوش مصنوعی و زیرساخت‌های ارتباطی، از عزم چین برای گسترش پیوندهای دوجانبه و پیشبرد تعهدات مندرج در سند همکاری راهبردی ۲۵ ساله سخن گفت. لیچنگ اضافه کرد: «گسترش همکاری‌های فناورانه نه‌تنها به سود منافع ملی دو ملت است، بلکه گامی مؤثر در راستای تقویت تعاملات فناورانه در سطح منطقه خواهد بود.» دو طرف در این نشست بر گسترش همکاری در حوزه‌های هوش مصنوعی، زیرساخت‌های ارتباطی و آموزش نیروی انسانی توافق کردند.

لی همچنین از هاشمی برای شرکت در اجلاس وزرای ارتباطات کشورهای عضو سازمان همکاری شانگهای دعوت کرد؛ دعوتی که نشان‌دهنده جایگاه رو به‌رشد ایران در دیپلماسی فناوری منطقه‌ای است.

جایی که آینده ساخته می‌شود

هاشمی در این سفر از دانشگاه بیهانگ، معتبرترین دانشگاه چین در حوزه مخابرات و فناوری اطلاعات نیز بازدید کرد و درباره هوش مصنوعی و کاربردهای آن در صنعت سخنرانی کرد که با استقبال گسترده دانشجویان مواجه شد. وزیر ارتباطات در این سخنرانی، با اشاره به پتانسیل‌های ایران در حوزه فناوری اظهار داشت: «هوش مصنوعی، آینده صنایع جهان را شکل خواهد داد و ایران مصمم است در این حوزه نقش‌آفرین باشد. همکاری با چین می‌تواند ما را به این هدف نزدیک‌تر کند.» هاشمی در این دیدار بر اهمیت تبادل دانش و همکاری‌های آموزشی تأکید کرد و گفت: «ما به‌دنبال ایجاد پل‌های ارتباطی بین دانشگاه‌های ایران و چین هستیم تا نسل جدیدی از متخصصان را تربیت کنیم.»

دیپلماسی فناوری؛ نقشه راه ایران برای آینده

سفر وزیر ارتباطات و فناوری اطلاعات به چین، تداوم برنامه راهبردی دولت چهاردهم با نام «دیپلماسی فناوری» و اهمیت آن در تقویت جایگاه بین‌المللی ایران در حوزه فناوری، تبادل دانش و جذب سرمایه‌گذاری خارجی است. با چنین هدف‌گذاری‌ای بوده که وزارت ارتباطات و فناوری اطلاعات ماموریت یافته با کشورهای مختلف وارد تعامل و همکاری‌های فناورانه شود تا ایران را به‌عنوان بازیگری کلیدی در عرصه فناوری منطقه‌ای و جهانی معرفی کند. تور دیپلماسی فناوری (چه به‌صورت مستقل، چه در همراهی با رئیس‌جمهور) تاکنون از کشورهای مختلفی گذشته است؛ از آمریکای لاتین و کشورهایی مانند کوبا و ونزوئلا تا صربستان و جمهوری آذربایجان در قاره اروپا، امارات در خاورمیانه و هم‌اکنون هم چین در خاور دور. این مفهوم در نگاه نخست پیچیده به‌نظر می‌رسد اما در باطن مفهومی ساده و قابل درک دارد؛ بهره‌گیری از فناوری و نوآوری به‌مثابه پلی برای پیوند ملت‌ها و استحکام روابط دو یا چندجانبه. در جهانی که اختلافات و رقابت‌ها گاه چون دیواری نفوذناپذیر میان کشورها سر برمی‌آورند، فناوری به‌سان زبانی بی‌طرف و جهانی، راهی برای گفت‌وگو و همکاری می‌گشاید. این رویکرد درون‌مایه‌ی مشخصی دارد: همکاری‌های علمی، پروژه‌های مشترک فناورانه، استانداردسازی، دیپلماسی عمومی و تبادل فرهنگی. اجزایی که در ارتباط با یکدیگر شبکه‌ای منسجم و پیوندساز میان کشورها ایجاد می‌کند. با همین منطق است که دیپلماسی فناوری به یکی از ارکان اصلی برنامه راهبردی هاشمی و مجموعه وزارت ارتباطات و فناوری اطلاعات تبدل شده است.

آینده‌ای روشن در سایه همکاری

ایران با موقعیت استراتژیک خود می‌تواند چون شاهراهی دیجیتال، قاره‌های آسیا، آفریقا و اروپا را متصل کند و در این میان دیپلماسی فناوری چارچوبی برای تقویت جایگاه بین‌المللی ایران در اقتصاد فناوری جهانی است. سفر هاشمی فراتر از یک دیدار دیپلماتیک، نشانه‌ای از عزم ایران برای پیوستن به جرگه کشورهای پیشرو در حوزه فناوری و فرصتی برای بهره‌مندی از ظرفیت‌های عظیم چین به‌عنوان پیشتاز نوآوری‌های دیجیتال جهان است.

هاشمی در جریان سفرش در گفت‌وگویی با رسانه‌ها، با اشاره به نتایج مثبت این دیدارها، اظهار داشت: «تعاملات بسیار خوبی در این سفر آغاز شده و امیدواریم نتایج آن به‌زودی در اقتصاد دیجیتال و صنایع هوشمند ایران قابل مشاهده باشد.» او همچنین بر ضرورت پیگیری تفاهم‌نامه‌های پیشین و اجرای عملیاتی آن‌ها تأکید کرد. همکاری ایران و چین در حوزه فناوری، از توسعه زیرساخت‌های 5G تا هوشمندسازی صنایع به ویژه در بخش‌های برق، نفت و گاز و همچنین افزایش بهره‌وری می‌تواند نقطه عطفی در مسیر توسعه اقتصاد دیجیتال ایران باشد. سفری که در راستای سند همکاری ۲۵ ساله دو کشور انجام شده و نشانه‌ای از آغاز دوران و رویکرد جدید در سیاست‌گذاری حوزه ارتباطات و فناوری اطلاعات کشور است. دیپلماسی فناوری این روزها نه‌فقط ابزاری برای تقویت روابط بین‌المللی، که کلیدی برای باز کردن درهای پیشرفت و نوآوری به داخل کشور است.

روز بزرگداشت فردوسی

آرمانشهر سیاسی شاهنامه

یوسف بینا
شاعر و استاد دانشگاه

شاهنامه فردوسی، گنجینه فرهنگ و حکمت ایرانی در عالی‌ترین شکل ادبی است و از این رو در ردیف مهم‌ترین کتاب‌های تاریخ بشریت جای می‌گیرد. یکی از وجوه اهمیت شاهکار حکیم توس، ارزش آن در تاریخ اندیشه به‌ویژه اندیشه سیاسی ایرانی است. توجه به جایگاه تاریخی فردوسی و پیشگامی او به‌عنوان سراینده نخستین اثر سترگ در ادبیات فارسی و نیز نگاهی به مجموعه بی‌مانندی که از حکمت سیاسی ایران باستان گرد آورده و آن را با زمانه خویش پیوند داده است، برای ما روشن می‌کند که می‌توان شاهنامه را بنیان و فردوسی را بنیان‌گذار اندیشه سیاسی ایرانی در زبان فارسی دانست. فردوسی در ابتدای حماسه ملی ایران تصریح می‌کند که گردآورنده شاهنامه یعنی همان «پژوهنده‌ی روزگار نخست»، بر آن بوده است که «سخن‌های شاهان و گشت جهان» را بداند و نیز درباره «کیان جهان، نامداران و بزرگان» بپرسد «که گیتی به‌آغاز چون داشتند/ که ایدون به ما خوار بگذاشتند» و بداند که «چگونه سر آمد به نیک‌اختری/ بر ایشان بر آن روز گندآوری». درواقع داستان‌های سراسر شاهنامه پاسخ‌هایی به این پرسش‌هاست که روزگار ایران باستان چگونه بوده است و پادشاهان ایران باستان چگونه فرمانروایی و جهانداری می‌کرده‌اند. فردوسی بارها در خلال روایت داستان‌های پادشاهان دادگری همچون کیخسرو و نوشین‌روان و نیز پادشاهان بیدادگری همچون ضحاک و افراسیاب، همچنین دیگر پادشاهان، مخاطب خود را به سیره سیاسی آن‌ها توجه داده و به‌نوعی مقصود خود را از آن مصداق‌های داستانی و تاریخی به‌شکل مفاهیم بیان کرده است. آنچه فردوسی و پیشگامان او در گردآوری شاهنامه به‌دنبال آن بوده‌اند، چیست؟ این پرسش را به‌شکل دیگری نیز می‌توان مطرح کرد: اگر سراسر شاهنامه را به‌عنوان یک کل واحد در نظر بگیریم، چه اندیشه‌ای در کانون مرکزی آن قرار دارد که هدف «پژوهندگان روزگار نخست»، توجه به آن بوده است؟ شاید بتوان به این پرسش از منظرهای مختلف پاسخ گفت اما مهم‌ترین پاسخی که می‌توان به آن داد این است که بگوییم مسئله محوری حماسه ملی ایران از آغاز تا پایان، همانا شیوه جهانداری شاهان ایرانی در دوران نیک‌اختری ایرانیان است. این دوران نیک‌اختری همان آرمانشهر ایرانی است و اندیشه‌ای که این آرمانشهر را شکل داده، درواقع همان اندیشه سیاسی ایرانی است. «جان‌مارو» در کتاب «تاریخ اندیشه سیاسی غرب» الگویی را برای بررسی اندیشه سیاسی در آرای فیلسوفان، اندیشمندان و به‌طور کلی نویسندگان غربی پیشنهاد می‌کند و می‌گوید پاسخ به چهار پرسش اصلی درباره سیاست است که اندیشه اندیشمندان سیاسی را شکل می‌دهد: «اهداف و آرمان‌های سیاسی چیست؟ چه کسی با چه ویژگی‌هایی باید فرمانروایی کند؟ فرمانروا چگونه باید فرمان براند؟ و نقش مردم در به‌چالش کشیدن حکومت‌ها چیست؟». از سوی دیگر «اسپریگنز» در کتاب «فهم نظریه‌های سیاسی» می‌گوید، مشاهده بحران‌های سیاسی نقطه آغاز نظریه‌پردازی درباره سیاست است و نظریه‌پردازان سیاسی پس از مشاهده بحران‌های زمانه خویش می‌کوشند آرمانشهری ترسیم کنند که اگرچه در زمانه آن‌ها وجود ندارد اما در آن بحران‌های سیاسی حل‌وفصل شده است. اگر از این منظرها به شاهنامه فردوسی بنگریم نیز باز درمی‌یابیم که فردوسی، هم در قالب داستان‌های اساطیری و تاریخی ایران باستان به پرسش‌های اساسی حوزه اندیشه سیاسی پاسخ گفته، هم پس از شناخت عمیق بحران‌های سیاسی زمانه خویش کوشیده است آرمانشهر ایرانی ویژه‌ای را در قالب حماسه ملی ترسیم کند که در آن راه‌حل بحران‌های سیاسی نیز ارائه شده است. در شاهنامه فردوسی مهم‌ترین آرمان سیاسی ساختن بهشت این‌جهانی برای مردم و تضمین سعادت آن‌جهانی مردم است که این دو مفهوم در گفتمان‌های سیاسی به رفاه و سعادت تعبیر می‌شود. همچنین شاه فرهمند ایرانی باید علاوه بر داشتن فضایل اخلاقی و پرهیز از رذایل، ویژگی‌های منحصربه‌فردی داشته باشد از جمله یگانگی، نژادگی، خردمندی، دادگری، گوهر به‌معنی فضیلت‌های ذاتی و خدادادی، هنر به‌معنای شایستگی‌های اکتسابی، خداپرستی و پیامبرگونگی، مردم‌داری، میانه‌روی، قدرت هدایت افراد به‌سوی نیکی‌ها، دلیری و سخن‌دانی. همچنین مهم‌ترین کارهای شاه آرمانی به‌روایت شاهنامه عبارت است از: بنیان‌نهادن آیین خسروان و فرمانروایی براساس آن، تشکیل آرمانشهر ایرانی و مراقبت از آن، تشکیل نظام اجتماعی ویژه ایران و مراقبت از آن، مجازات بدکاران و دفاع از مرزها. مردم نیز اگر شاه فاسد بیگانه‌ای بر آن‌ها فرمان براند، حق دارند علیه او بشورند و فرمانروای فرهمند ایرانی را جایگزین آن کنند که نمونه آن را در داستان شکوهمند کاوه آهنگر می‌بینیم. همچنین اگر شاهی بیدادگری و بی‌خردی کرد، پهلوانان که همان نخبگان جامعه‌اند برای اصلاح امور سیاسی می‌کوشند. فردوسی، آرمانشهر ایرانیان را در گستره شاهنامه ترسیم کرده است که آرمانشهری گذشته‌گراست و با درک بحران‌های سیاسی زمانه فردوسی همچون سلطه بیگانگان توانی و تازی بر ایران، بیدادگری، بی‌خردی و بی‌هنری حاکمان طراحی شده، اما در آن مفاهیم بزرگی همچون رفاه، سعادت، دادگری، خردمندی، هنر و نژادگی در شکل‌های جاودانه چنان روایت شده که شاهنامه را از یک اثر ادبی در هزار سال پیش به کتابی سترگ و جاودانه برای امروز و فردای ما تبدیل کرده است. در کنار این آرمانشهر، نقد نمونه‌های پادآرمانشهر نیز در شاهنامه بسیار درخور توجه است. «سلطنت مطلقه فاسد شاه بیگانه» که مهم‌ترین نمونه آن داستان پادشاهی ضحاک است، «دموکراسی عوام‌سالارانه» که نمونه آن در داستان دهی است که همه افراد آن امکان فرمانروایی دارند و هیچ ملاک و معیاری برای گزینش فرمانروا در میان نیست و «جامعه اشتراکی مزدکی» سه پادآرمانشهری است که آن‌ها را فردوسی در قالب چند داستان آورده و نقد کرده و به‌نوعی مخاطب خود را از آن‌ها برحذر داشته است. نمونه‌هایی که گفتیم، چند قطره کوچک از دریای بیکران شاهنامه است و به ما نشان می‌دهد که می‌توانیم چقدر در باب اندیشه سیاسی شاهنامه فردوسی چندوچون کنیم؛ اندیشه‌ای که به‌نظر می‌رسد همواره و هنوز نیاز به بازخوانی، بازشناسی و بازپژوهی دارد و اگرچه نخستین فصل از کتاب تاریخ اندیشه ایرانی در زبان فارسی است، اما به‌نظر می‌رسد همچنان مهم‌ترین فصل آن باشد.